

فهرست مطالب

۱. قدردانی..... ۷
۲. سخن گرد آورنده ۹
۳. مقدمه: دکتر سید حسین میثمی..... ۱۱
۴. فهرست مَثَل‌ها و کنایه‌ها ۱۵
۵. مَثَل‌ها و کنایه‌ها به ترتیب حروف الفباء..... ۲۹
- ۶-۱. طبقه بندی تعدادی از مَثَل‌ها و کنایه‌ها..... ۱۱۷
- آواز..... ۱۱۸
- بانگ..... ۱۱۹
- خواندن..... ۱۱۹
- رقص..... ۱۲۰
- صدای حیوانات..... ۱۲۳
- طرب..... ۱۲۴
- مذهبی..... ۱۲۴
- ۶-۲. طبقه بندی مَثَل‌ها و کنایه‌های مربوط به سازها..... ۱۲۷
- بربط..... ۱۲۸
- بوق..... ۱۲۸
- تنبک / دنبک..... ۱۲۹

- ۱۳۰..... تنبور / طنبور / طنبوره
- ۱۳۰..... جرس
- ۱۳۱..... چنگ
- ۱۳۱..... دایره / دایره
- ۱۳۲..... دبدبه
- ۱۳۲..... دف
- ۱۳۳..... دُهل
- ۱۳۴..... رباب
- ۱۳۵..... زنگله / زنگوله
- ۱۳۵..... سرنا
- ۱۳۶..... سه تار
- ۱۳۶..... سوت
- ۱۳۷..... شیپور
- ۱۳۷..... طبل
- ۱۳۹..... کرنا
- ۱۳۹..... کمانچه
- ۱۴۰..... کوس
- ۱۴۱..... مرقط

- ۱۴۱.....نقاره / نقاره
- ۱۴۲.....نی
- ۱۴۳.....۷. حکایت‌ها و رویدادهای ذکر شده در مورد برخی از مَثَل‌ها و کنایه‌ها
- ۱۴۴.....آتش بیار معرکه
- ۱۴۶.....آواز توی حمام است
- ۱۴۷.....بوق
- ۱۴۹.....دو دستماله می رقصد
- ۱۵۰.....رقص شتری
- ۱۵۱.....شتر نقاره خانه
- ۱۵۳.....گر تو قرآن بدین نمط خوانی
- ۱۵۵.....۸. نمایه‌ها
- ۱۶۱.....۹. منابع

مقدمه

در مورد مَثَل‌ها تحقیقات خوبی در ایران صورت گرفته است. مدخل مهمی در این ارتباط تحت عنوان *امثال و حکم* در دایرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۰: ج ۱۰) توسط عزت ملا ابراهیمی تألیف شده است. همچنین مدخل دیگری تحت عنوان *جمع و تنظیم امثال در ادب فارسی* توسط مؤلفان مریم مجیدی و علی میر انصاری در همین منبع مشاهده می‌شود (همان). ملا ابراهیمی در مورد امثال و حکم چنین ذکر می‌کند: «سخنان پند آمیز و عبرت انگیز رایج در میان مردم» (همان ۱۹۵). وی به نقل از تاج العروس امثال را چنین شرح داده است: «امثال، جمع مَثَل و مِثَل در زبان عربی به معانی همتا، مانند، برهان و دلیل، مطلق سخن، و پند و عبرت به کار رفته است (همان). در مدخل جمع و تنظیم *امثال* اسامی و آثار تعدادی از گردآوردگان امثال مشاهده می‌شود، در پایان همین مدخل تمرکز ویژه ای بر *امثال حکم* علی اکبر دهخدا صورت گرفته است (همان ۱۹۸ - ۲۰۰).

علاوه بر مَثَل در این مجموعه تعدادی کنایه نیز وجود دارد. کنایه در برداشت نخستین به معنای پوشیده سخن گفتن است و در حالت اصطلاحی سخنی است که دو معنی دور و نزدیک را دربر می‌گیرد، اگرچه معنی نزدیک آن منظور نیست و معنای دوم آن مورد نظر است. به همین منظور کنایه را می‌توان سخنی دو پهلو دانست که در فرهنگ شفاهی بسیار کاربرد دارد. به عنوان نمونه «دست روی دست گذاشتن» نوعی کنایه است که در معنای لغوی بیانگر قرار گرفتن دستان روی هم و در معنای اصلی به عدم انجام کاری یا تنبلی فرد بر می‌گردد. در کنایه‌های این مجموعه می‌توان به عنوان نمونه از «سرنا را از سر گشاد زدن» نام برد؛ در معنای نخستین به عمل اشتباه فرد اشاره دارد

که ساز را از موضعی غیر طبیعی می‌خواهد اجرا کند و در معنای اصلی به عمل فردی برمی‌گردد که کارها را صحیح انجام نمی‌دهد.

مَثَل‌ها و کنایه‌ها غالباً در شکل‌های مختلفی بیان شده‌اند؛ اصطلاحات تک واژه‌ای، ترکیبات دو واژه‌ای، عبارت‌های کوتاه، جمله‌ها، مصراع و بیت که هر یک کاربرد و کارکرد خاص خود را دارند. در میان مَثَل‌ها و کنایه‌ها به تنوع موارد مذکور می‌توان برخورد کرد. در گردآوری این مجموعه از این منابع (بر اساس نخستین چاپ) بهره برده شده است: فرهنگ واژه‌های عامیانه در دوره قاجار اثر رضا حکیم خراسانی (۱۳۰۷)، امثال و حکم اثر علی اکبر دهخدا (۱۳۰۸)، داستان نامه بهمنیاری اثر احمد بهمنیار (۱۳۶۱)، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم اثر مهدی پرتوی آملی (۱۳۶۵)، قند و نمک اثر جعفر شهری (۱۳۷۰)، فرهنگ نوین گزیده مَثَل‌های فارسی اثر احمد ابریشمی (۱۳۷۶)، دوازده هزار ضرب المثل فارسی و سی هزار معادل آن اثر ابراهیم شکورزاده بلوری (۱۳۸۰)، امثال و حکم تاریخی اثر رحیم چاوش اکبری (۱۳۸۲)، فرهنگ کنایات سخن اثر حسن انوری (۱۳۸۳) و فوت کوزه‌گری اثر مصطفی رحماندوست (۱۳۸۶)؛ اگرچه در تجدید چاپ این آثار تغییراتی از نظر تنوع و تعداد صورت گرفته است.

در این مجموعه که جلد نخست را در بر می‌گیرد ۳۵۳ مثل و کنایه از منابع مذکور (به استثنای چند مورد) گردآوری شده است. اغلب این مَثَل‌ها در ارتباط با موسیقی‌اند؛ تعدادی از آنها مَثَل‌ها و کنایه‌های رقص را دربرمی‌گیرد که مستقیم یا غیر مستقیم به موسیقی نیز ارتباط دارد. برخی از مَثَل‌ها و کنایه‌ها به اصطلاحات عام صوت برمی‌گردد؛ مانند آواز، بانگ و صدای حیوانات که بهتر دیده شده در این مجموعه اضافه شود.

با توجه به تعداد کمی مَثَل‌ها طبقه بندی الفبایی و سپس موضوعی ضروری به نظر می‌رسید که این مهم توسط مؤلف صورت گرفت تا کسانی که تمایل بر مطالعه‌ی این مَثَل‌ها و کنایه‌ها دارند بتوانند آسان تر به مطالب دسترسی پیدا کنند.

در این مَثَل‌ها و کنایه‌ها اطلاعات ارزنده‌ای در مورد نگرش به موسیقی، نقش موسیقی در اجتماع و نکات تخصصی در زمینه‌ی موسیقی مشاهده می‌شود. با توجه به مَثَل‌ها و کنایه‌های مذکور می‌توان چنین برداشت کرد که در مجموع برداشت مثبتی از موسیقی و موارد مرتبط با آن عمده‌تاً مشاهده نمی‌شود. این موضوع نشان می‌دهد نگرش اجتماعی

در مورد موسیقی تحت تأثیر تفکر تحریمی بوده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به این موارد توجه کرد: «چیکاره س؟ رقص پای ناقاره!»، «آدم بی پول غالباً تنبورزن می‌شود»، «بابای تو چاره داشت نی میزد و اسفناج می‌کاشت»، «بچه سر پیری زنگوله پای تابوت است»، «پولو رو سینه ی مرده بذاری برات ابوعطا میخونه» و «در خانه بیعاره‌ها ساز و نقاره می‌زنند».

اینها نمونه‌هایی از مثل‌هایی است که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم اهل موسیقی، موسیقی و سازها را کم ارزش جلوه داده اند؛ با این همه اغلب این مثل‌ها و کنایه‌ها دیگر رواج ندارند و امروزه جایگاه موسیقی و اهل موسیقی در ایران تغییر کرده است. از نکات ارزشمند این مثل‌ها جنبه‌های تخصصی موسیقی است. ذکر اصطلاحات عام و خاص موسیقی، اسامی سازها و غیره می‌تواند به عنوان یک منبع در مباحث موسیقی کاربرد داشته باشد. تکرار اصطلاح‌های آواز، بانگ، خواندن و غیره به رواج گسترده‌ی این‌ها برمی‌گردد. کاربرد «ابوعطاء» در چندین مثل نشانی از اهمیت این آواز در فرهنگ زمان مربوطه دارد.

ذکر سازهای مجلسی و سازهای با حجم صدای زیاد نشانه‌ای از رواج، کاربرد و کارکرد اجتماعی سازها را دارد. اغلب سازهای مذکور به قرون گذشته برمی‌گردد.

سید حسین میثمی خرداد ۱۳۹۵